

## بررسی میزان تأثیر گذاری جابجایی برخی از کارکردهای شهر تهران در ساماندهی وضعیت پایتخت در ایران

دکتر عیسی ابراهیمزاده<sup>۱</sup> - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
دکتر میرنجف موسوی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه  
علی باقری کشکولی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴

### چکیده

شهرهای پایتختی در کشورهای در حال توسعه به دلیل تمرکز بالای عملکردها، به لحاظ مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی دچار مشکلات عدیده‌ای هستند و نقش‌های بسیار مهمی در حیات این کشورها دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تأثیر جابجایی برخی از کارکردهای شهر تهران در راستای ساماندهی پایتخت است. روش پژوهش تحلیلی- اسنادی، جامعه آماری کارشناسان مسائل اقتصادی و اجتماعی و حجم نمونه ۳۶ نفر بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه و پرسشنامه است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل مسیر و آزمون‌های آماری استنباطی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بر اساس مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد، جابجایی مرکزیت علمی - آموزشی و دانشگاهی، مرکزیت صنعتی، مرکزیت جمعیتی و گردشگری به ترتیب با میزان ۰/۸۲۷، ۰/۷۶۹، ۰/۷۴۳ و ۰/۷۴۱ دارای بیشترین تأثیر در ساماندهی پایتخت می‌باشند. همچنین بر اساس ضرایب همبستگی گام به گام، جابجایی کارکردهای علمی - آموزشی با مقدار ۰/۹۰۲ در گام اول بیشترین تأثیر را در ساماندهی مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی - اداری و فرهنگی پایتخت دارد. به گونه‌ای که جابجایی مرکزیت علمی - آموزشی که شامل مراکز دانشگاهی، قطب‌های علمی - پژوهشی، مراکز کتابخانه‌ای به‌تنهایی ۶۳ درصد از واریانس ساماندهی پایتخت را تبیین کرده است و در نتیجه ارتباط بین جابجایی این کارکردها از پایتخت و ساماندهی پایتخت در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر به‌ازای یک واحد افزایش در جابجایی کارکردهای علمی و آموزشی در ساماندهی پایتخت به میزان ۰/۸۶۴ واحد دگرگونی حاصل می‌گردد. بنابراین همزمان با انتقال این

کارکردها باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی بر روی کنترل شدید مهاجرت‌ها به تهران، افزایش سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در سایر شهرها، افزایش امکانات آموزشی و ایجاد جاذبه برای ماندگاری نیروهای متخصص صورت گیرد تا تأثیر انتقال چنین کارکردهایی را خنثی نکند.

واژه‌های کلیدی: تمرکزگرایی، پایتخت، ساماندهی، جابجایی کارکردها، شهر تهران.

## ۱- مقدمه

شهرهای پایتختی، نقش حیاتی در زندگی و روح ملت بازی می‌کنند. در نگاه اول، پایتخت‌ها به‌عنوان یک منبع مرکزی قدرت سیاسی و اقتصادی و همچنین به‌عنوان مقرر دولت ایفای نقش می‌کنند. چرا که در بسیاری از کشورها، پایتخت‌ها همواره بزرگترین شهر آن کشور نیز هستند، با این حال شاید مهمترین موضوع این باشد که پایتخت‌ها اغلب می‌کوشند تا ویژگی‌های منحصر به فرد و آرمان‌های حکومت را منعکس کنند و در نتیجه نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت ایفا کنند. با این شرایط، تعیین محل برای چنین پایتخت‌هایی همیشه یک مشکل قدیمی جغرافیایی در بطن هر دو نظام حکومتی ماقبل مدرن و مدرن می‌باشد. به نظر می‌رسد تعداد کمی از مطالعات آکادمیک به معانی فرهنگی و تاریخی از عملکرد شهرهای پایتختی خود، فراتر از کاربردهای بنیادین تئوری‌هایی مانند مکان مرکزی فکر کرده‌اند. در قرون گذشته، هم کشورهای بزرگ و هم کوچک جهت ارائه خدمات بهتر توسط شهرهای پایتختی خود، اقدام به ساخت پایتخت‌های جدید و یا انتقال برخی از کارکردهای خود کرده‌اند (Rawat, 2005: 1). به نظر می‌رسد دلیل اصلی جابجایی مکان پایتخت‌ها، ساماندهی آنها باشد. در واقع، اگر به نمونه‌های متنوع جابجایی پایتخت‌ها نگاه کنیم مانند جابجایی پایتخت در روسیه از مسکو به سنت پترزبورگ در ۱۷۰۳، در هند از کلکته به دهلی نو در سال ۱۹۱۱ و در قزاقستان، از آلماتی به آستانه در سال ۱۹۹۷ می‌توان آسیب‌های تداخل عملکردهای مختلف را در چنین شهرهایی قبل از انتقال پایتخت به‌وضوح دید (Schatz, 2003: 127). علاوه بر آسیب‌های موجود در حوزه عملکردهای مختلف در شهرهای پایتختی، همچنین پدیده‌ها، عملکردها و هویت شهرهای پایتختی مدت طولانی است که به‌رغم نقش محوری پایتخت در زندگی دولت و ملت در ادبیات علمی مورد غفلت قرار گرفته است و این

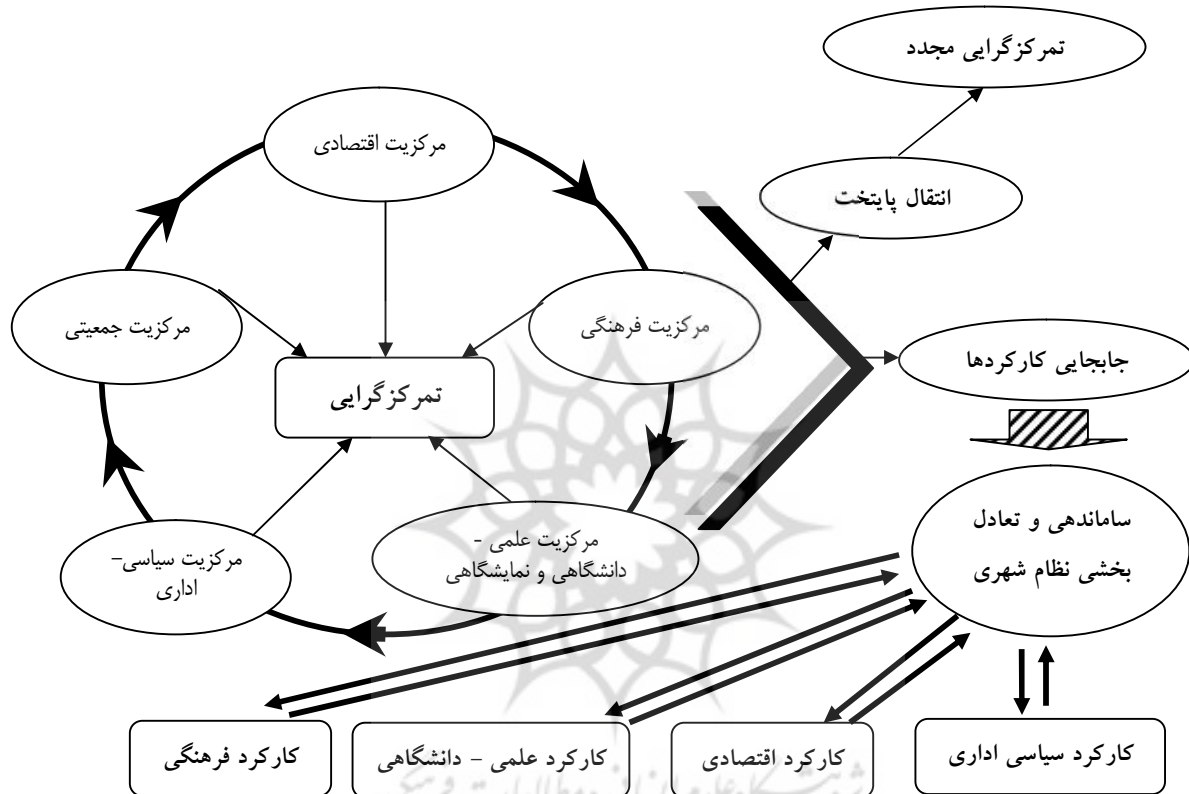
عامل به تداخل بیشتر عملکردها و ایجاد مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... آنها کمک کرده است (Campbell, 2003: 121). هرچند در گذشته، جغرافیای اقتصادی، تئوری مکان مرکزی را برای توصیف سهم شهرهای پایتختی در توسعه اقتصادی منطقه‌ای به کار برد، اما امروزه این چارچوب تا حد زیادی به علت کاستی‌های نظری متعدد آن، به‌عنوان مثال، تأکید بیش از حد بر جبرگرایی جغرافیایی و شکست عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی تا حد زیادی کارایی خود را از دست داده است (Wolfel, 2002: 486) و باعث شده است شهرهای پایتختی و همچنین سایر شهرهای منطقه به‌دلیل تمرکز بالای عملکردها، به‌لحاظ مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی دچار مشکلات عدیده‌ای شوند. در چنین موارد متعدد کلیدی، کشورها تصمیم می‌گیرند تا پایتخت‌های خود را به دور از نخست شهرها یا قطب شهرها به مکان‌های جدیدی جابجا کنند (Dascher, 2000: 378). در این شرایط و در صورت انتقال پایتخت به شهرهای جدید، جنبه‌های اقتصادی (ارزش افزوده اطراف شهر جدید و امثال آن)، اجتماعی (عدم تعلق به یک گروه اجتماعی)، فنی (تخریب بخش قابل توجهی از امکانات موجود و با توجه به جنبه‌های شهرسازانه ایجاد هسته مناسب برای یک جهان شهر) قابل توجه خواهد بود. تهران یکی از شهرهای پایتختی است که با توجه به افزایش جمعیت آن بویژه در سال‌های اخیر که عامل اصلی این افزایش، مهاجرت‌های روستایی بوده است و با گسترش مسائل زیست محیطی و اجرای طرح‌های عمرانی متعدد، دچار مسائل مختلف زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... گردیده است. به‌همین دلیل از اواخر دهه هفتاد بحث ساماندهی و حل مسائل تهران (مسائل ناشی از اندازه جمعیت و فعالیت از قبیل آلودگی هوا، ترافیک و ...) از یک‌سو و حفاظت از ارکان حکومت و امنیت ملی در برابر آسیب‌های وسیع ناشی از زلزله و سایر خطرات احتمالی از سوی دیگر مطرح شد (Ghamami, 2004: 37). اما در دهه‌های اخیر با گسترش آلودگی‌های زیست محیطی و ترافیک همراه با جمعیت رو به رشد، طرح‌های انتقال پایتخت از تهران و انتقال برخی از کارکردهای پایتخت مانند کارکرد اداری جهت کاهش این مشکلات به‌طور جدی مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این پژوهش بررسی مسائل و

مشکلات شهر تهران در انواع کارکردهای اداری، اقتصادی، فرهنگی، در راستای تحقق‌پذیری ساماندهی شهر با انتخاب کارکردهای مطلوب برای جابجایی است. در پژوهش حاضر با مطالعه کارکردهای مختلف شهر تهران و آسیب‌های هر یک از آنها اقدام به انتخاب مناسب‌ترین کارکرد جهت جابجایی و کاهش مسائل و مشکلات موجود این شهر در قالب سؤالات زیر می‌نماید:

- ۱- جابجایی هر یک از کارکردهای اداری، اقتصادی، فرهنگی و ... به چه میزان مسائل و مشکلات نظام شهری را در کشور حل می‌کند؟
- ۲- مناسب‌ترین کارکرد جهت جابجایی از تهران بدون اینکه نیازی به انتقال پایتخت باشد، کدام است؟

## ۲- روش تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق و مؤلفه‌های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری شهر تهران می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات بررسی اسناد و مدارک و همچنین پرسشنامه و مصاحبه است که به تعداد مشخص در بین کارشناسان و خبرگان توزیع شده است. شاخص‌های مورد بررسی ۱۰ مؤلفه کارکردهای اقتصادی، کارکردهای سیاسی و اداری، کارکردهای علمی- آموزشی و ... در قالب ۳۶ گویه است که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است (نمودار شماره ۱). در تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت میزان تأثیر جابجایی کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ... در ساماندهی شهر تهران از مدل تحلیل مسیر استفاده شده است. همچنین برای ارتباط بین متغیرها، آزمون‌های آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره و گام به گام به کار برده شده است.



نمودار شماره ۱: بررسی روابط بین متغیرها و مؤلفه‌ها ۱۳۹۴ (The Authors)

#### محدوده مورد مطالعه

جمعیت کل کشور در سال ۱۳۹۰، بالغ بر ۷۵۱۴۹۶۶۹ میلیون نفر بوده که از این میزان ۶۸/۵ درصد در شهرها و ۳۱/۵ درصد آن در روستاهای کشور ساکن هستند. بیشترین سهم استانی از جمعیت کشور متعلق به استان تهران با ۱۶/۲۱ درصد و کمترین آن متعلق به استان ایلام با ۰/۷۴ درصد است. همچنین مساحت استان‌های کشور در حدود ۱۶۲۸ هزار کیلومتر مربع می‌باشد که بیشترین مساحت متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان با ۱۸۱ و ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع و کمترین مساحت نیز برای استان‌های البرز و قم با ۵ هزار و ۱۱ هزار



### ۳- مبانی نظری

«تمرکز فضایی عبارت است از توزیع جغرافیایی درآمدهای دولتی، صنایع، تجارت، جمعیت در یک یا چند مکان معین که نتیجه آن به وجود آمدن نابرابریهای ناحیه‌ای در همه شرایط زندگی خواهد بود. نقش تمرکز فضایی منابع و امکانات بر روند شکل‌گیری و توسعه شهرنشینی و توجه به نقش این شهرها در فرآیند توسعه مناطق جغرافیایی سطوح پایین‌تر بسیار حائز اهمیت بوده و منجر به شکل‌گیری نظریه‌های قطب‌رشد، مرکز - پیرامون، نظریه مراکز رشد، توسعه از بالا به پایین، نظریه سوداگری و نظریه وابستگی گردید. از آنجایی که تمام این نظریه‌ها در کشورهای پیشرفته همگام با روند زندگی و تکنولوژی در کنترل نظام شهری دارای برنامه‌ها و سیاست‌های تنظیم یافته بودند، منجر به نابرابری‌های ناحیه‌ای نگردید، اما در اغلب کشورهای در حال توسعه، دگرگونی‌های ظاهری چهره شهرها بدون توجه به زیربنای تاریخی، صنعتی و زندگی اجتماعی منجر به شکل‌گیری مراکز رشد و تمرکزگرایی گردید» (Qalibaf et al, 2010: 154). «تمرکزگرایی عمدتاً از وجه سیاسی برخوردار بوده و بر نظامی دلالت دارد که بر مبنای تمرکز بویژه تمرکز سیاسی استوار است. دیوید رابرتسون، تمرکزگرایی را مبین تمرکز نهادهای حکومتی و منابع اقتدار سیاسی در پایتخت در برابر توزیع قدرت و مسئولیتها میان مراجع ملی، منطقه‌ای و محلی دانسته است. بنابراین می‌توان گفت تمرکزگرایی در وجه سیاسی بر تمرکز منابع قدرت دلالت دارد و در وجه اقتصادی بر تمرکز عوامل تولید نظیر نیروی انسانی، سرمایه و سایر عوامل تولید، کار و فعالیت تأکید دارد. به عبارتی تمرکزگرایی در ساختار سیاسی اقتصادی یک کشور به نوبه خود به «تمرکزگرایی فضایی» منجر می‌شود که بر انباشت و تراکم درآمدهای دولتی، صنایع، تجارت و جمعیت در یک یا چند مکان معین دلالت دارد» (Karami, 2013: 12). این موارد باعث شده است تمرکززدایی به یک روند جهانی تبدیل شود، با این وجود، ارزیابی تجربی از تأثیر تمرکززدایی بر رشد و توزیع در کشورهای در حال توسعه هنوز در مراحل ابتدایی خود است (Bardhan, 2002: 185-205). تمرکززدایی از اختیارات دولت، و به‌طور کلی فکری مناسب برای بهبود تدارک مؤثر کالاها و خدمات عمومی محلی است، چرا که مقامات و مسئولین محلی دانش بهتر و دقیق‌تر از شرایط

موجود محلی دارند و بهتر می‌توانند حوزه‌های خود را تحت نظارت داشته باشند (Dethier, 1999: 111). تیویوت معتقد است که بر اساس تمرکززدایی مالی و رقابت‌های درون سازمانی، افراد می‌توانند آزادانه در سراسر مکان‌ها جهت پیدا کردن نقش‌های عملکردی خود مناسب با سلاقی خود حرکت کنند که این عمل کمک می‌کند که اطمینان حاصل شود که خدمات عمومی محلی به نحو احسن و مطلوب فراهم شده است (Tiebout, 1956: 420). یکی از شاخص‌های مؤثر در تمرکززدایی از شهرها، شاخص شهر مسلط است که در شرایط خاصی، بزرگترین شهر یا چند شهر بزرگ در داخل یک سیستم شهری، نقش شهر مسلط را بر عهده می‌گیرد. بدین‌سان که مادرشهرهای ناحیه‌ای و شهرهای یک کشور به‌نحوی تحت تأثیر این شهرها که قطب اصلی رشد و پرجمعیت‌ترین شهرها هستند، قرار می‌گیرند (Shakoie, 2006: 485-487). اگرچه نفس وجود قطب‌های رشد در یک کشور باعث عقب‌ماندگی دیگر نواحی نمی‌شود، بلکه رشد و توسعه اقتصادی را در سطح ملی و منطقه‌ای تحکیم می‌بخشد. ولی نحوه نگرش به توسعه اقتصادی بر پایه ایجاد قطب‌های رشد در مراکز شهری بزرگ کشور به‌عنوان ابزار رشد اقتصادی نه تنها اثرات مفیدی بر رونق نواحی پیرامونی نگذاشت، بلکه باعث عدم تعادل در توسعه بین نواحی، تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری و عدم توزیع بهینه امکانات و خدمات در پهنه سرزمین گردید. این فرایند در نهایت موجب تمرکز فرآیندهای فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه و تمرکز جمعیتی در مراکز شهری گردید و شکاف توسعه بین نواحی را بیشتر نمود. تهران با بیش از دو قرن سابقه مرکزیت اداری - سیاسی کشور و بیش از نیم قرن سابقه به حالت کلان شهر بزرگ کشور به‌عنوان قطب رشد برتر تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ کرده است. تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه اشتغال وسیعی فراهم کرده و همزمان با آن، رکود نسبی فعالیت‌ها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از امکانات بهتر خدماتی به این توسعه شتابی خاص بخشیده است. در تهران بزرگ سودهای کلان اقتصادی به سبب تمرکز تولید، با شرایط خاص مادر شهر جهان سوم به‌دست می‌آید. در این شهر برگشت سرمایه با سودهای کلان امکان‌پذیر است و در نتیجه بیشترین سرمایه به‌سوی تهران سرازیر



می‌شود. حاکمیت این جریان، سیر عقب‌ماندگی سایر نواحی جغرافیایی ایران را موجب شده است و از این رو، یک شهر انگلی محسوب می‌شود. می‌توان گفت تمرکزگرایی آثار سوء اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی داشته و موجب تمرکز جمعیت در نواحی خاصی از کشور شده است و از پراکندگی توزیع بهینه منابع و امکانات در پهنه کشور جلوگیری کرده است (Mousavi, 2003: 149-147). چنین شهرهایی از نظر اقتصادی، اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی بر یک حوزه تسلط کامل داشته و در نقاط مختلف آن تأثیر منفی بر جای می‌گذارد (Asiabi, 2008: 395). «در نتیجه ادامه تسلط شهرهای مسلط، الگوی نامتوازن و نامتعادل توزیع فضایی جمعیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری به روشنی مطرح می‌شود. این الگو باعث می‌شود که خلاء جمعیتی و کارکردی در سطح میانی و پایین کانون‌های شهری به وجود آید، که این امر نیز از عوامل مؤثر در بروز عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری و گسترش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای است» (Ahmadi et al., 2013: 32). «در دنیای واقعی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از یک یا چند شهر بزرگ سیاسی و معمولاً شهر پایتخت، سبب تمرکز بیش از حد می‌شود. گسترش سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی در این شهرها، موجب جذابیت استقرار در آنها شده و سبب جذب بنگاه‌ها و افراد زیادی به آنها می‌شود که نهایتاً به انباشت سرمایه منجر می‌گردد» (Farahmand et al., 2009: 121). انباشت سرمایه، محصول تبدیل ارزش اضافی به سرمایه است. به عبارت دیگر هنگامی که تولید در هر روابط اقتصادی (چه اقتصاد بازار و چه اقتصاد تحت فرمان برنامه) بتواند ارزش اضافی تولید کند و کل این اضافه ارزش یا بخشی از آن را در چرخه بازتولید و به منظور گسترش آن به کار گیرد، در آن صورت انباشت سرمایه تحقق یافته است. در واقع با انباشت سرمایه، شیوه تولید خاص سرمایه‌داری و انباشت سرمایه رشد می‌کند. شهر تهران از طریق تمرکز جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و تولید اضافی گسترش پیدا کرده است. در این رابطه، نخستین مؤلفه‌ای که به تمرکز جغرافیایی سرمایه کمک می‌کند، صرفه‌جویی‌های مقیاس (صرفه‌جویی داخلی بنگاه‌ها) و صرفه‌جویی‌های تجمع (صرفه‌جویی خارجی بنگاه‌ها) است. در صرفه‌جویی داخلی، بنگاه‌ها با

افزایش مقیاس تولید یعنی افزایش سرمایه ثابت، امکان سودمندی تولید و کارآمدی سرمایه را افزایش می‌دهند. در صرفه‌جویی‌های تجمع، بنگاه‌ها از مواهب همجواری با دیگر بنگاه‌هایی که با آنها به‌گونه‌ای بده بستان اقتصادی دارند، سود بیشتری نصیب بنگاه خود کنند. علاوه بر این «جریان‌ها و سازوکارهای مرتبط با سرمایه‌داری پیرامونی و ساختار سیاسی - اقتصادی کشور در سده حاضر، زمینه رشد نخست شهری تهران و افزایش جمعیت و تراکم مراکز کار و فعالیت در این شهر را فراهم آورده است. با انباشت سرمایه به‌نفع تهران و نهادها و اقشار قدرتمند این شهر، لایه‌های گوناگونی از نخبگان، اقشار متوسط، کارگری و فرودست تمرکز یافته‌اند. نابرابری در دسترسی به مواهب ارزش افزوده ایجاد شده، علاوه بر آنکه سبب تعمیق نابرابری و شکاف اقتصادی - اجتماعی بین مجموعه شهری تهران و سایر مناطق کشور شده، نقش زیادی در افزایش نابرابری‌ها در درون شهر تهران و مجموعه شهری آن داشته است» (Karami, 2011: 48). بدین ترتیب نظام فضای ملی و توزیع اندازه شهرها طی فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، در اثر پویای اقتصادی و جریان‌های جابجایی سرمایه و نیروی کار و همچنین متأثر از تنش‌های سیاسی بین مرکز و پیرامون دستخوش تحولاتی می‌گردد که پیامد آن گسترش و تسلط شهرها و قطب‌های برتر در نظام شهری است که منجر به تمرکز کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی در آنها می‌شود (Sharbat Oughali and Javanmard, 2011: 95). بنابراین، همواره ناهماهنگی توسعه مناطق و نابرابریهای ناحیه‌ای موجود در اثر مکانیسم‌های حاکم بر ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور و نیز شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهرهای بزرگ و کوچک در اثر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و تسهیلات خدماتی در شهر تهران موجب جدایی کامل و خلاء کارکردی آشکار شهرهای دیگر نظام شهری از این شهر شده است (Taghvai and Mousavi, 2011: 42-32). به‌گونه‌ای که سرمایه‌گذاری‌های عظیم در شهر تهران منجر به گسترش انواع مختلف مشاغل شده است و از طرف دیگر مرکز اداری - سیاسی کشور نیز در این شهر متمرکز شده است و این عوامل می‌توانند شهر تهران را با مشکلات و مسائلی چون آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ترافیک، افزایش تراکم جمعیت و ...

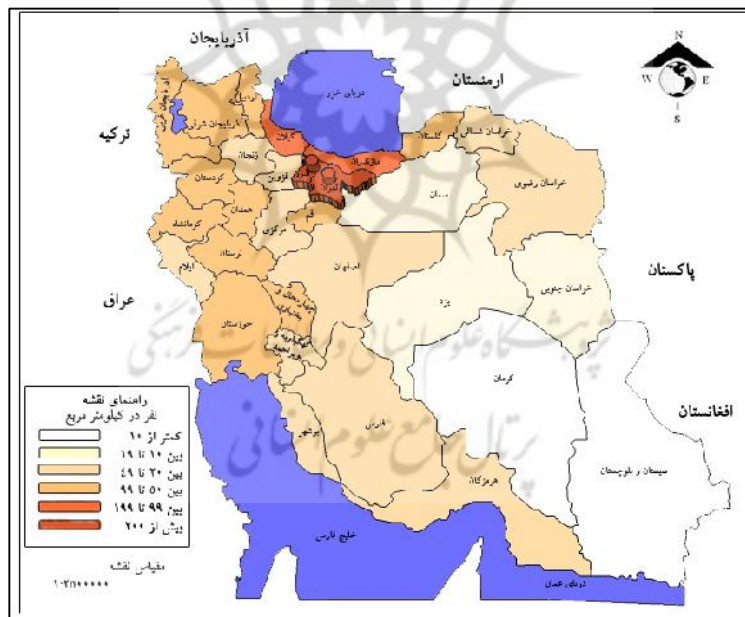
مواجه سازد. همچنین با توجه به اینکه قلب اقتصادی کشور در تهران می‌باشد، هرگونه بحران اقتصادی در این شهر می‌تواند توسعه اقتصادی در سراسر کشور را دچار بحران کند. ناگفته پیداست که مقامات شهر تهران با تمام قدرت، برای تمرکززدایی از این شهر تلاش می‌کند تا از هزینه‌های سنگین اقتصادی ناشی از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کنند. در این راستا، مباحثی چون انتقال پایتخت و یا جابجایی کارکردها مطرح می‌شود. «در واقع گزینش مکان برای تغییر پایتخت زمانی پدید می‌آید که دولت‌ها به دلایلی پایتخت فعلی را فاقد کارکرد لازم دانسته و خود را ملزم به ترک آن نمایند. چنین ضرورتی ممکن است به دنبال دشواری‌های ژئوپلیتیک آن کشور و یا در نتیجه ضعف‌هایی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی آن به وجود آید» (Ahmadpour et al., 2009: 127). موقعیت ژئوپلیتیکی تهران، ویژگی‌هایی به این شهر داده که همواره کارکردهای اقتصادی و اجتماعی را در کشور تحت تأثیر خود قرار داده است. از لحاظ ژئوپلیتیکی این شهر می‌تواند به خوبی موازنه اقتصادی را به نفع شهرهای بزرگ یا به ضرر آنها برهم زند. شهر تهران به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود طی دوران‌های گذشته همواره کانون توجه قرار داشته است. امروزه این شهر به واسطه موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی و وضعیت سیاسی حاکم بر آن عنصر مهم تأثیرگذار محسوب می‌گردد. اما متأسفانه این شهر به دلیل تمرکز مراکز اداری-سیاسی، افزایش شدید جمعیت و ...، بیش از اندازه متراکم شده و منجر به گستردگی دامنه مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بحران‌های محیطی گردیده است. بر همین اساس و با توجه به گستردگی مسائل و مشکلات تهران، بحث انتقال پایتخت و یا جابجایی کارکردهای آن مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- تحولات جمعیتی و اقتصادی شهر تهران

بررسی‌ها نشان می‌دهند جمعیت ایران از ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد ۱/۲۸ درصد به ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است که از این رقم ۵۰/۴ درصد مرد و ۴۹/۶ درصد زن و ۲۸/۵ درصد روستایی و ۷۱/۴ درصد شهری تشکیل

می‌دهند. در این رابطه، میزان جمعیت استان تهران با نرخ رشد ۱/۴ از ۱۱۳۴۵۳۷۵ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۲۱۸۳۳۹۱ نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. این استان با ۹۲/۸ درصد، بعد از استان قم دارای بیشترین میزان شهرنشینی می‌باشد. در مقابل، استان ایلام با نرخ رشد ۰/۳۲ درصد دارای ۵۵۷۵۹۹ نفر جمعیت است که نسبت به سال ۱۳۸۵ دارای رشدی معادل ۱/۶ درصد بوده و به‌عنوان کم‌جمعیت‌ترین استان شناخته شده است. بر اساس میزان مساحت استان تهران و البرز که به ترتیب برابر با ۱۳۶۹۲ و ۵۱۲۲ کیلومتر مربع است می‌توان گفت این استان‌ها دارای بالاترین میزان تراکم نسبی جمعیت می‌باشند که به ترتیب برابر با ۸۹۰ و ۴۷۱ نفر در کیلومتر مربع می‌باشند (نقشه شماره ۲).



نقشه شماره ۲: تراکم نسبی جمعیت در استان‌های کشور

شهر تهران به نسبت سایر شهرهای کشور بیشترین تعداد جمعیت کشور را در خود جای داده است. این شهر در مقابل ۱۳۳۰ شهر به تنهایی ۱۶ درصد جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است. تهران ۸/۵ میلیون نفر جمعیت ساکن دارد، بزرگترین شهر غرب آسیا و

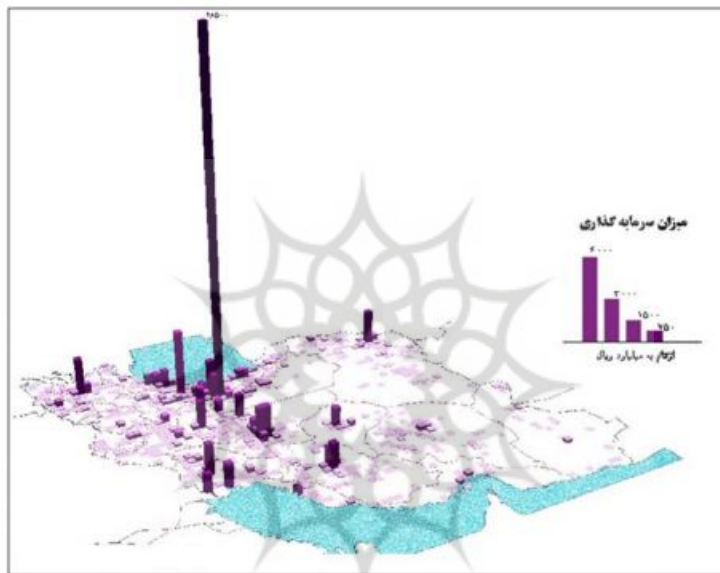
چهل و دومین شهر بزرگ جهان است. روزانه حداقل ۱۲ میلیون نفر جمعیت شناور درون و برون شهری دارد و با شهرهای مجاور خود که رشد شتابان و بزرگی شان را به خاطر همجواری با تهران پذیرا گشته‌اند، به صورت یک مگالاپلیس بزرگ درآمده و این شهر با خاصیت ماکروسفالی تسلط خود را بر تمام شبکه سکونتگاهی کشور گسترانده است. تراکم بسیار زیاد جمعیت در واحد سطح و افزایش لحظه و به لحظه‌ای آن از آستانه‌های تحمل و پذیرش شهر فراتر رفته و شهر را به یک توده عظیم جمعیتی در فضای کشور تبدیل کرده است. بررسی روند مهاجرت‌ها در کشور بیانگر این است که استان تهران بیشترین سهم را در جذب مهاجران سایر استان‌ها دارد. می‌توان گفت سطح بالای توسعه تهران، ساکنان سایر مناطق کشور و حتی سایر کلانشهرهای کشور را برای مهاجرت به تهران ترغیب می‌کند. همچنین به دلیل تمرکز درصد زیادی از امکانات در این کلانشهر و مناطق پیرامونی، به عنوان مقصد نهایی مهاجران و یک شهر آرمانی برای بسیاری از افراد از روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ تبدیل شده است (نقشه شماره ۳).



نقشه (۳): میزان مهاجرت استانی به تهران

«می‌توان گفت صنعتی شدن و نوسازی کشورهای جهان سوم، موجب نابرابری‌های بین شهرها و روستاها و انتقال ثروت و مازاد به مرکز و رشد و توسعه مرکز و شکل‌گیری مرکز-پیرامون می‌شود» (Karami, 2013: 23). «رابطه مرکز-پیرامونی که در اصل بر مبنای نظریه قطب‌های رشد صنعتی-خدماتی پی‌ریزی شده بود، امروزه با همان ماهیت اما با موتور بخش اقتصادی به رشد خود ادامه می‌دهد» (Palizban et al, 2013: 22). «تهران به‌عنوان مرکز و شهر اصلی و کانون اتخاذ تمام تصمیمات و سیاستهای کلان و خرد کشور در زمینه‌های مختلف اداری، سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بوده است. این تمرکز سیاسی سبب تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... شد که فرصت‌های شغلی متنوع و متعدد ایجاد گردید و وجود فرصت‌های شغلی زیاد جمعیت زیادی از سراسر کشور جذب نمود. بنابراین تهران بزرگترین محل تمرکز کلیه اشکال فعالیت اقتصادی کشور شد. با ورود ایران به بازار جهانی، تهران نقش واسطه و پل بین کشور و جهان خارج را ایفاء می‌کرد. اتکای فزاینده به درآمد نفت که تصمیم‌گیری در مورد مهمترین بخش اقتصاد را در دستان افراد محدودی متمرکز ساخت که به‌طور روز افزون در تهران استقرار یافتند و نقش حساس دولت در عرصه اقتصاد، پایتخت را به محل تمرکز فعالیت اقتصادی و بزرگترین بازار کشور بدل کرده است» (Rezaie and Pourahmad, 2009: 49). استان تهران از نظر بازار مصرف، مرکز امکانات بازاری و بازاریابی قلب تجاری ایران به‌شمار می‌آید. این استان با ۳۰ درصد صنایع، ۳۶ درصد از کارخانجات بزرگ، ۴۰ درصد بازار مصرف کل کشور، ۴۰ درصد صنایع غذایی، ۴۰ درصد تعاونی‌های سراسر کشور، ۴۴ درصد از تولید گل و گیاه و ۳۱ درصد تولید گوشت قرمز، در مجموع با قدرت اقتصادی کل کشور قابلیت‌های ویژه‌ای در بخش اقتصادی و صنایع را به‌خود اختصاص داده است. بررسی جایگاه استان تهران در کشور در سال ۱۳۹۰ حاکی از تمرکز شدید فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. استان تهران از نظر مساحت نیم درصد از مساحت کشور را دارد در حالی که از نظر جمعیت ۲۰ درصد از جمعیت کشور را داراست، ۲۷/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور، ۳۴/۳ درصد از اعضاء هیأت علمی کشور، ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت، ۳۱ درصد ارزش افزوده بخش حمل و نقل را استان تهران

به خود اختصاص داده است. استان تهران با ۲۵ درصد، بیشترین سهم از ارزش افزوده بخش صنعت کشور را داشته است (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: ناموزونی در سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور (Karami, 2013: 29)

این امکانات باعث می‌شود که شهر تهران از نظر اقتصادی، سیاسی و اداری تقریباً تمام کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر حوزه نفوذ کلانشهر تهران از نظر اقتصادی، سیاسی و اداری شامل کل کشور است. تمام تصمیمات کلان اقتصادی، سیاسی و اداری در شهر تهران اتخاذ می‌شود و به صورت بخشنامه، آیین‌نامه و... به مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها و... ابلاغ می‌شود. این استان به دلیل تراکم فعالیت‌های اقتصادی و نیز سرمایه‌ها، از نظر تولید ناخالص داخلی دارای رتبه اول است.



جدول شماره ۱: وضعیت جمعیتی، اقتصادی و بازرگانی استان تهران

۱۲۵۰۵۰۰۰	جمعیت کل	۴۴	تعداد شهر	۱۴	تعداد شهرستان
		۴۱۶۸۰۰۰	جمعیت فعال	۱۱۴۱۷۰۶۵	جمعیت شهری
۶۲/۳ درصد	اشتغال در بخش خدمات	۳۴/۶ درصد	اشتغال در بخش صنعت	۳/۱ درصد	اشتغال در بخش کشاورزی
	۲۱ با ظرفیت ۶۶۰۰۰ قطعه در ساعت	تعداد کشتارگاه	۹۱۴۶ کیلومتر مربع		طول راه‌های درون شهری و برون شهری
۳۲	تعداد سردخانه عمومی	۳۹۱	تعداد فروشگاه‌های زنجیره‌ای	۲۱	تعداد فروشگاه‌های بزرگ
۳۲۴۲۴۰ مترمربع	مساحت میدین و بازهای میوه	۴۲۰۰۰۰ تن	ظرفیت سیلوها	۶۵۰۳۰۰۰ تن	ظرفیت انبارهای عمومی
۲۲۶	تعداد اتحادیه‌های توزیعی و خدماتی	۱۹۷	تعداد اتحادیه‌های تولیدی و خدمات فنی	۱۶	تعداد مجامع امور صنفی

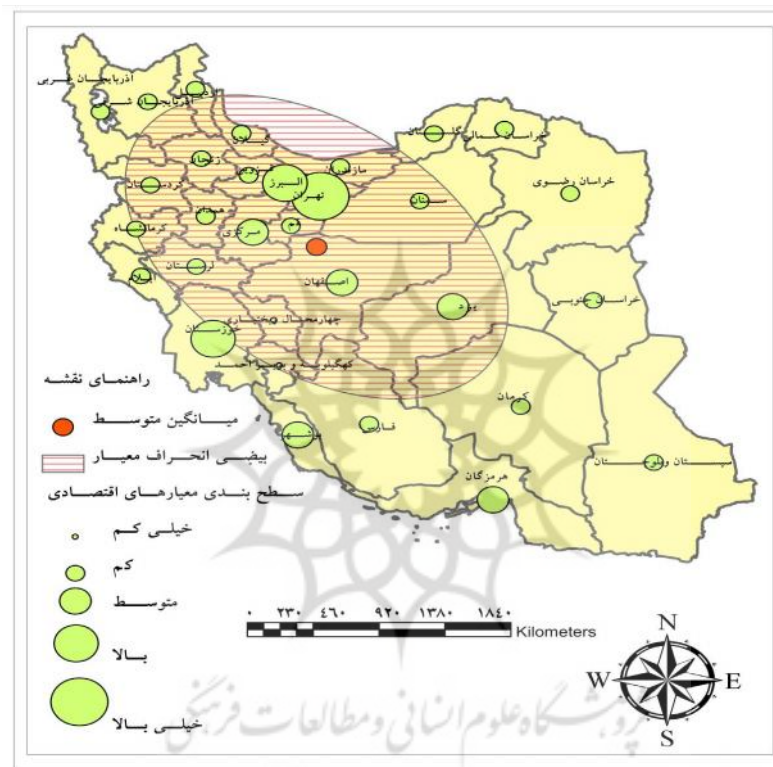
(Organization of Industries and Business of Tehran Province, 2009)

نتایج حاصل از جدل شماره ۱ نشان می‌دهد بازارهای بزرگ و تولیدی‌ها و کارخانه‌ها به‌همراه تقسیم شدن بودجه کشور در تهران باعث شده است که جایگاه مجلس و دولت و نقش آنها در بودجه‌پردازی و تقسیم آن در کشور، تهران را در مرکز تقسیم ثروت قرار دهد. قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است؛ تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجار بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی و پولی با تمرکز سیاسی-اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردد. همچنین قدرت علمی، فنی و تکنولوژیک نیز در قالب دانشگاه‌های عمده، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، امکانات علمی، دانشمندان، فناوران و کادرهای عالی متخصص در تهران استقرار یافته است. این مقیاس وسیع اقتصادی در تهران از جمله علل اصلی جذب مهاجرین به این منطقه و تشدید تمرکز در تهران به‌شمار می‌رود. مهاجرت به شهر تهران به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در فاصله سال‌های



۱۳۸۹-۱۳۸۵، سالیانه بیش از ۵ درصد رشد یافته و تعداد مهاجران حدود دو برابر شده است. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ استان تهران با ۱۷/۷ درصد بیشترین سهم را در بین استان‌های کشور به لحاظ مهاجران وارد شده به خود اختصاص داده است. نتایج نشان می‌دهد که از مهاجرانی که به شهر تهران آمده‌اند، بیشترین مهاجران در مناطق ۴، ۵ و ۱۵ و کمترین مهاجران در مناطق ۲۲، ۲۱ و ۹ ساکن شده‌اند. در مجموع منطقه ۴ به‌عنوان مهاجرپذیرترین منطقه، ۱۰۸ هزار و ۹۴۶ نفر و در منطقه ۲۲ به‌عنوان آخرین منطقه مهاجرپذیر ۱۷ هزار و ۸۳۸ نفر مهاجر ساکن شده‌اند. به‌طور تقریبی ۲۰ درصد از مهاجران برای یافتن کار اولیه و یا کاری بهتر، ۱۱ درصد از مهاجران به‌خاطر تحصیل و یا پایان تحصیل‌شان، ۷ درصد به علت انتقال شغلی، ۴ درصد به‌خاطر انجام خدمت وظیفه و یا اتمام آن و ۴۲ درصد از ایشان به پیروی از خانواده‌هایشان مجبور و یا داوطلب اقامت در این شهر شده‌اند. تراکم و تنوع اجتماعی و چگونگی این افزایش مهاجرت که در دوره‌ای کوتاه مدت گرفته است، خود منجر به ایجاد سایر مشکلات از جمله افزایش جرم، جنایت و سایر مسائل اجتماعی، زیست محیطی اقتصادی مربوطه می‌شود. پس اولین مشکل تهران جمعیت و تراکم زیاد آن است. یافته‌ها نشان می‌دهد استان تهران به لحاظ شاخص‌های اقتصادی مانند میزان صادرات، واردات، تعداد شاغلین بخش صنعت، تعداد شاغلین بخش خدمات، نرخ مشارکت اقتصادی زنان و مردان، میزان تبادلات مالی در رتبه اول و با فاصله بسیار زیاد از استان‌های دیگر قرار دارد. در چنین شرایطی تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی در بزرگترین شهر نه تنها باعث جذب بخش وسیعی از پتانسیل‌های توسعه‌ای کشور به این شهر شده است بلکه خود این شهر به‌عنوان یک قطب برتر با تمرکز زیاد فعالیت‌ها با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو گردیده است. در این رابطه، بررسی مرکز میانگین و بیضی انحراف معیار تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در کشور به‌خوبی تمرکز شاخص‌های اقتصادی را در پایتخت نشان می‌دهند. هر چند تمرکز فعالیت‌های اقتصادی بیشتر در تهران می‌باشد ولی جهت شمال غربی و جنوب شرقی بیضی انحراف معیار بیانگر روابط متقابل این شهر با شهرهای اطراف و پیرامونی می‌باشد که به‌نوعی بیانگر رابطه مرکز-پیرامونی و تبعات نزدیکی به پایتخت و روند توسعه اقتصادی استان‌های کشور در بهره‌مندی از

این پتانسیل را تشریح می‌کند (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳: میانگین متوسط، انحراف معیار و توزیع میزان تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در کشور

(The Authors)

این شرایط تمرکز فعالیت‌های اقتصادی (نقشه شماره ۳) و نقش آن در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی که زائیده مهاجرت‌های گسترده به این شهر باعث گردیده است تا مسئولین به دنبال مکان مطلوبتری برای جابجایی پایتخت باشند. از طرف دیگر اگر شهری جدید ساخته بشود و پایتخت به آنجا منتقل بشود با مشکل بی‌هویتی شهر مواجه خواهیم شد؛ شهری بی‌بنیان، بی‌تاریخ، بی‌هویت، فاقد برنامه‌ریزی و... در حالی که شهر ژنریک شهری است که نه تنها در وجه سابقه تاریخی و بافت شهری بلکه از نظر شخصیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، ساکنانش نیز تحلیل می‌رود.

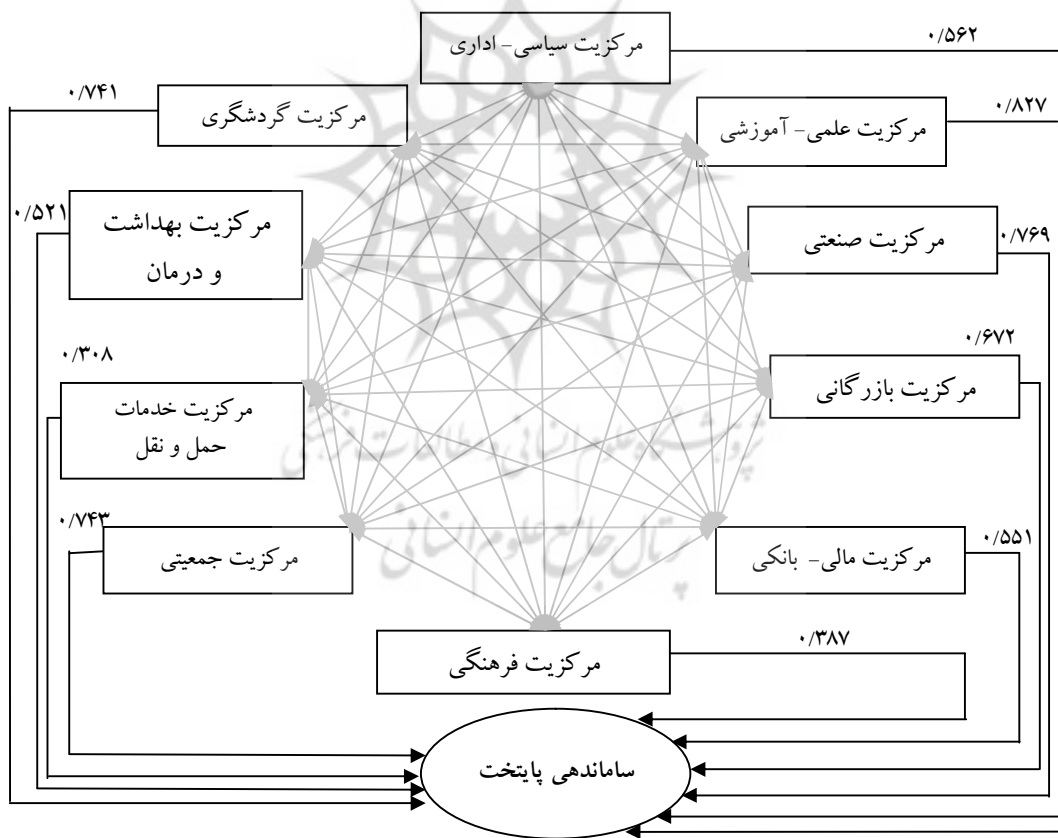
پیش‌بینی می‌شود تغییر پایتخت باعث مهاجرت افراد و اقوام و گروه‌های مختلف به پایتخت جدید می‌شود و این خود حرکت رشد پایتخت جدید را از گسترش افقی به سمت رشد عمودی پیش می‌برد و آسمان خراش‌ها که ظاهرآ نمونه کامل این نوع گسترش خواهند بود همه چیزهای دیگر را می‌بلعد و در همه جا احتمالاً می‌تواند به وجود آید. اگر پایتخت به شهر جدیدی منتقل شود به‌نوعی می‌توان به مرگ قطعی برنامه‌ریزی در آن شهر اذعان کرد و با شروع ساخت و سازهای فراوان به هیچ وجه نمی‌توان به جنگ بازار رفت و این باعث رشد خودسرانه شهر خواهد شد. دشواری افزایش زیرساختار یا تأمین شغل کافی یا مسکن یا مدرسه و مشکلات برای نسل جوان به تمام ملاحظات دیگر غلبه می‌کند. و البته درست است که وضعیت و رشد شهر مقصد افزایش پیدا می‌کند اما در بلندمدت گسترش بخش غیررسمی اقتصاد مهاجرت افراد جویای کار خارج از توان بخش رسمی برای جذب موجب گسترش بخش غیررسمی در شهر خواهد شد. شهر بدون شالوده رسمی اقتصادی رشد می‌کند و میزان خلاقیتی و خشونت افزایش می‌یابد. بویژه اگر شهری جدیدی ساخته شود و یا به شهرهای جدید منتقل شود با مشکل بی‌هویتی و خالی بودن شهر از معنا مواجه خواهیم شد که که انسان‌های ساکن در آن احساس امنیت ذهنی، و روحی نخواهند داشت. با توجه به وضعیت نابه‌سامان تهران به‌عنوان پایتخت ایران و مطرح شدن بحث انتقال پایتخت می‌توان گفت که بین کارکردهای مختلف در کشور تفکیکی وجود ندارد. کارکردهای مورد انتظار یک شهر را می‌توان به چند دسته تفکیک کرد، مانند مرکزیت سیاسی، مرکزیت علمی و آموزشی یا دانشگاهی و تحقیقاتی، مرکزیت فرهنگی و گردشگری، مرکزیت تجاری و بازرگانی، مرکزیت صنعتی و مرکزیت مالی و بانکی. امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا این تفکیک مورد توجه قرار گرفته است؛ نمونه‌های نزدیک آن کشور ترکیه با شهرهای آنکارا، استانبول و ازمیر و کشور پاکستان با شهرهای اسلام‌آباد، کراچی و لاهور هستند، هر یک از این شهرها عمدتاً برخی از کارکردهای اصلی مورد انتظار را بر عهده دارند. در حالی که آنکارا و اسلام‌آباد مرکز سیاسی هستند، استانبول و کراچی عمدتاً کارکرد مرکزیت بازرگانی و تجاری و مالی دارند، ازمیر دارای مرکزیت صنعتی و نمایشگاهی است و لاهور بیشتر کارکردی فرهنگی دارد. به این ترتیب، گونه‌ای تقسیم وظایف و کارکردها بین چند شهر عمده یک کشور صورت می‌گیرد.

این تقسیم وظایف بر اساس پیشینه فرهنگی، نزدیکی یا دوری از مراکز جمعیتی، دسترسی به آب‌های آزاد و رودخانه‌های قابل کشتیرانی، نزدیکی به راه‌های ارتباطی و شرایط اقلیمی صورت می‌گیرد. مشکل اصلی تهران این است که این شهر همه کارکردهای کشور را در خود دارا است. این شهر هم مرکزیت سیاسی دارد، هم مرکزیت اقتصادی و تجاری و مالی و تا حدودی صنعتی، هم مرکزیت دانشگاهی و نمایشگاهی و حتی فرهنگی. همچنین تجمع مرکزیت‌ها در تهران، به‌طور طبیعی موجب شده است که این شهر مرکزیت جمعیتی کشور را هم داشته باشد. همه این تمرکزها نه تنها منجر به رشد نامتوازن تهران و مشکلات ناشی از آن برای ساکنان این شهر، شده است، بلکه بی‌توجهی به آمایش سرزمین در پهنه جغرافیایی کشور و رشد نامتوازن مناطق گوناگون، نگرانی جدی‌تری در این زمینه به‌وجود آورده است. نتیجه چنین رویکردی، تفاوت شدید سطح درآمد و رفاه بین اکثر مناطق کشور و تهران است به‌طوری که تفاوت سطح درآمد و دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی، آموزشی و درمانی بین تهران و دیگر مناطق کشور چشم‌گیر است. همچنین با توجه به سرمایه‌گذاری سنگینی که برای ایجاد تأسیسات شهری در تهران صورت گرفته است، سرنوشت این شهر چیزی جز ماندن به‌عنوان مرکزیت اقتصادی، تجاری، مالی و تا حدودی صنعتی نیست، اگرچه ویژگی‌های لازم برای استقرار این مرکزیت‌ها را هم نداشته باشد. اما برای دیگر کارکردهای این شهر، مانند مرکزیت سیاسی، دانشگاهی و فرهنگی آن باید فکری ضروری کرد. همچنین، با رویکرد تمرکززدایی در تصمیمات، باید برای دیگر مناطق و شهرهای کشور که دارای مزیت‌های جغرافیایی هستند، مانند بنادر جنوب کشور و شهرهای بزرگ شمال غربی و شرق کشور، فرصت توسعه فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی و مالی را فراهم آورد تا زمینه ساماندهی پایتخت فراهم شود.

## ۲-۴- مدل تحلیل مسیر جابجایی کارکردها شهر تهران جهت ساماندهی پایتخت

این روش به‌عنوان تکنیکی برای توضیح یک سیستم ارتباطی بین متغیرهاست، به این ترتیب که در تحلیل مسیر ضریب همبستگی هر متغیر مستقل با متغیر وابسته بر اثر مستقیم آن متغیر مستقل روی متغیر وابسته و اثرات غیرمستقیم مزبور از طریق متغیرهای مستقل دیگر روی

متغیر وابسته تقسیم می‌شود (Kouhi and Taghavi, 2003: 105). در پژوهش حاضر از ده مؤلفه مرکزیت سیاسی-اداری، مرکزیت علمی-آموزشی، مرکزیت صنعتی، مرکزیت بازرگانی، مرکزیت مالی-بانکی، مرکزیت فرهنگی، مرکزیت جمعیتی، مرکزیت خدمات حمل و نقل (درون شهری و برون شهری)، حمل و نقل هوایی، حمل و نقل ریلی، مرکزیت بهداشت و درمان و مرکزیت گردشگری در ساماندهی پایتخت استفاده شده است، شکل شماره ۲ تحلیل مسیر تمرکزگرایی کارکردهای مختلف شهر تهران به‌عنوان مرکزیت‌ها به شرح زیر است:



شکل شماره ۲: نمودار تمرکزگرایی کارکردهای مختلف شهر تهران به‌عنوان مرکزیت‌ها در پایتخت

(The Authors)

بر اساس نتایج شکل شماره ۱، جابجایی مرکزیت علمی - آموزشی و دانشگاهی، مرکزیت صنعتی، مرکزیت جمعیتی و گردشگری به ترتیب با میزان ۰/۷۶۹، ۰/۷۴۳ و ۰/۷۴۱ دارای بیشترین تأثیر در ساماندهی پایتخت می‌باشند. از آنجایی که متغیرهای تحلیل مسیر همیشه تنها بخشی از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند، به همین جهت در تحلیل مسیر آنچه که به عنوان اثر یا عوامل ناشناخته باقی می‌ماند به وسیله (e) یا همان کمیت خطا نشان داده می‌شود. مقدار (e) بیانگر میزان  $R^2 = 1 - e^2$  واریانس متغیری است که متغیرهای مستقل قبلی نمودار قادر به تبیین آن نبوده‌اند. با مجذور کردن (e)، واریانس تبیین نشده به دست می‌آید. چنانچه مقدار  $e^2$  از عدد ۱ کم شود، مقدار واریانس تبیین شده ( $R^2$ ) به دست می‌آید.

در نتیجه‌گیری کلی از بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم کلیه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده در مدل نظری پژوهش و محاسبه ضرایب مسیر مربوط به آنها، نتیجه زیر حاصل گردیده و میزان واریانس تبیین شده توسط این متغیرها، به شرح زیر می‌باشد:

$$R^2 = 1 - e^2 \Rightarrow 1 - 0.784 = 0.216$$

در این رابطه، ۰/۷۸۴ مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر می‌باشد. بنابراین در تحلیل مسیر جابجایی کارکردها و کم کردن مرکزیت‌ها در راستای ساماندهی تهران، روابط علی به دست آمده ۰/۲۱۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی‌کند و ۷۸/۴ درصد از واریانس نیز متغیر وابسته را تبیین نموده است. در واقع می‌توان گفت مرکزیت اقتصادی (مالی، بانکی، بازرگانی، صنعتی) به تراکم و تمرکز جمعیت و شهرنشینی بستگی زیادی داشته است. در چنین شرایطی الگوی نخست شهری و برتری جمعیتی و عملکردی چنین شهر بزرگی باعث زهکشی منابع اقتصادی به طرف این شهر می‌شود و منجر به مرکزیت سایر کارکردهای علمی - آموزشی، فرهنگی، گردشگری در این شهر می‌گردد.

### ۳-۴- تحلیلی بر رابطه بین جابجایی کارکردها و ساماندهی پایتخت

تمرکز اقتصادی، اجتماعی، بازرگانی و .. تهران نتیجه غیرقابل اجتناب مرکزیت تهران از لحظات

سیاسی، صنعتی، آموزشی و خدماتی- درمانی است. این شهر در حال حاضر بزرگترین مرکز اقتصادی و صنعتی کشور است، اما ازدحام کارخانه‌ها باعث آلودگی‌های بسیاری در این شهر شده است. در واقع چنین تمرکزگرایی و متمرکز شدن بیش از حد فعالیت‌ها و امکانات و جمعیت در تهران مساله‌ای است که به ناپایدار شدن هرچه بیشتر این شهر منجر شده است و این تمرکز سرمایه و صنعت و تمرکز خدماتی باعث بروز ساختارهای شغلی کاذب و فعالیت‌های ناسالم شده است که از پیامدهای بعدی تمرکزگرایی بوده و چنین روند تمرکزگرایی شدیدی باعث عدم تعادل در زمینه‌های جمعیتی و اقتصادی در سطح کشور شده است. بنابراین با وجود فرودگاه‌های بین‌المللی در تهران و وزارتخانه‌ها و ساختمان مجلس و کتابخانه ملی و ... و همچنین زیرساخت‌های اداری جدید التأسیس در تهران امکان انتقال پایتخت ممکن نیست بلکه باید بعضی کارکردها که باعث مهاجرت به تهران می‌شود را به شهرستانها و مرکز استانهای دیگر انتقال داد. به نظر می‌رسد با جابجایی برخی از کارکردها می‌توان زمینه‌های ساماندهی پایتخت را فراهم کرد. بررسی رابطه بین متغیرها بر اساس ضرایب همبستگی گام به گام و تحلیل واریانس ساماندهی تهران را با انتقال برخی از کارکردها تأیید می‌کند. این بررسی، بر اساس شاخص‌های کلی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی- اداری و فرهنگی) و شاخص‌های تلفیقی تحت عنوان سه مرکزیت علمی- آموزشی، اقتصادی و سیاسی- اداری انجام شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های توصیفی و همبستگی درونی بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار	اجتماعی	اقتصادی	سیاسی-اداری	فرهنگی	مرکزیت علمی	مرکزیت اقتصادی	مرکزیت سیاسی
اجتماعی	۴۱/۰۸۱	۷/۷۶۳	-						
اقتصادی	۲۱/۱۵۴	۳/۸۶۷	۰/۵۷۱	-					
سیاسی-اداری	۱۷/۸۴۷	۳/۱۶۷	۰/۶۷۵	۰/۵۳۸	-				
فرهنگی	۳۴/۵۲۱	۶/۱۹۷	۰/۷۱۴	۰/۶۱۱	۰/۵۹۱	-			
مرکزیت علمی-آموزشی	۳۱/۳۵۰	۵/۹۸۱	۰/۶۷۱	۰/۷۰۵	۰/۸۱۱	۰/۹۰۲	-		
مرکزیت اقتصادی	۱۸/۳۶۱	۴/۵۲۹	۰/۲۱۱	۰/۱۰۸	۰/۰۹۳	۰/۱۲۴	۰/۱۳۳	-	
مرکزیت سیاسی-اداری	۱۹/۸۶۱	۴/۸۶۱	۰/۰۷۱	۰/۰۸۵	۰/۰۶۸	۰/۰۷۹	۰/۱۴۷	۰/۰۹۳	-

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۲ می‌توان گفت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی-اداری و فرهنگی با مرکزیت علمی - آموزشی به ترتیب با ضریب ۰/۶۷۱، ۰/۷۰۵، ۰/۸۱۱ و ۰/۹۰۲ دارای رابطه معناداری است ولی این شاخص‌ها با مرکزیت اقتصادی به ترتیب با ضرایب ۰/۲۱۱، ۰/۱۰۸، ۰/۰۹۳ و ۰/۱۲۴ و با مرکزیت سیاسی-اداری به ترتیب با ضرایب ۰/۰۷۱، ۰/۰۸۵، ۰/۰۶۸ و ۰/۰۷۹ دارای رابطه معناداری نیست. بنابراین می‌توان گفت جابجایی کارکردهای علمی-آموزشی در گام اول بیشترین تأثیر را در ساماندهی مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی-اداری و فرهنگی پایتخت و همچنین سایر شهرهای کشور دارد.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی چندگانه پیش بینی جابجایی کارکردها پایتخت جهت ساماندهی آن

متغیر ملاک	شاخصهای آماری	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندجانبه	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	F	سطح معناداری
ساماندهی پایتخت	مرکزیت علمی-آموزشی	۰/۸۶۱	۰/۶۳۸	۰/۶۳۱	۹۷/۸۱	۰/۰۰۱
	مرکزیت اقتصادی	۰/۳۷۱	۰/۱۹۸	۰/۱۹۰	۱۲/۷۱	۰/۱۰۸
	مرکزیت سیاسی-اداری	۰/۲۹۷	۰/۱۶۰	۰/۱۵۶	۷/۵۳	۰/۱۶۷



همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، با استفاده از رگرسیون گام به گام از بین انواع مرکزیت‌های پایتخت که منجر به تمرکزگرایی شده است، جابجایی مرکزیت علمی-آموزشی که شامل مراکز دانشگاهی، قطب‌های علمی-پژوهشی، مراکز کتابخانه ای و ... به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شده و به تنهایی ۶۳ درصد از واریانس ساماندهی پایتخت را تبیین کرده است که با توجه به F مشاهده شده ۹۷/۸۱ این میزان واریانس تبیین شده و در نتیجه ارتباط بین جابجایی این کارکردها از پایتخت و ساماندهی پایتخت در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. اما جابجایی مراکز اقتصادی و سیاسی-اداری به دلیل پایین بودن میزان ضریب همبستگی با متغیر وابسته با ساماندهی پایتخت معنادار نمی‌باشند.

جدول (۴): ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد جهت پیش بینی ساماندهی پایتخت

متغیر ملاک	شاخصهای آماری متغیر پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	آماره T	سطح معناداری
		B	خطای استاندارد			
ساماندهی پایتخت	ضریب ثابت	۹۱/۳۹۵	۷/۶۰۴		۱۵/۵۳	۰/۰۰۰
	مرکزیت علمی آموزشی	۸/۶۷۲	۰/۴۸۷	۰/۸۶۴	۳۱/۵۸	۰/۰۰۰
	مرکزیت اقتصادی	۲/۲۵۳	۰/۱۹۷	۰/۲۲۹	۷/۶۰	۰/۰۸۴
	مرکزیت سیاسی- اداری	۲/۱۰۸	۰/۱۵۹	۰/۱۳۸	۵/۱۴	۰/۰۹۷

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴ به ازای یک واحد افزایش در جابجایی کارکردهای علمی و آموزشی در ساماندهی پایتخت به میزان ۰/۸۶۴ واحد و به ازای یک واحد افزایش در جابجایی کارکردهای اقتصادی و سیاسی-اداری به ترتیب به میزان ۰/۲۲۹ و ۰/۱۳۸ واحد دگرگونی ایجاد می‌شود. معادله استخراج شده برای پیش‌بینی ساماندهی پایتخت عبارتند از:

ساماندهی پایتخت ایران = ضریب ثابت (۹۱/۳۹) + جابجایی کارکردهای علمی آموزشی (۸/۶۷) + جابجایی کارکردهای اقتصادی (۲/۲۵۳) + جابجایی کارکردهای سیاسی-اداری (۲/۱۰۸).

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

ایران در دهه‌های اخیر دستخوش تحول ساختاری زیادی شده است. در این دوره هم به‌لحاظ ضرورت‌های امنیتی و سرزمینی و هم شرایط ناشی از بسط روابط سرمایه‌داری و ضرورت هدایت و کنترل جریان‌گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد شبه مدرنیستی و در پیش گرفتن راهبردهای توسعه قطبی، ساختار سیاسی کشور به‌شدت متمرکز شده است. شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران مراکز تمرکز کارکردهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است. این تمرکزگرایی سبب تمرکز فعالیت‌ها در حوزه‌های مذکور و ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع و متعدد شده است و جمعیت زیادی را از سراسر کشور به این کلان‌شهر جذب کرده است. نتیجه چنین رویدادی شکل‌گیری شهری است که به‌عنوان قطب رشد جمعیت کشور، یک چهارم جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است. یکی از مهمترین دلایلی که منجر به افزایش رشد جمعیت این شهر شده است، افزایش مهاجرت‌ها است. یکی از دلایل اصلی مهاجرت‌ها به تهران کمبود امکانات آموزشی، رفاهی، خدماتی در سایر شهرها و تمرکز بیش از اندازه آنها در پایتخت است. نمونه‌ای از این تمرکز کارکردها در پایتخت، تمرکز مراکز دانشگاهی معتبر مانند دانشگاه تهران، شریف، علم و صنعت، امیرکبیر، خواجه نصیر، تربیت مدرس، بهشتی، علوم پزشکی می‌باشد که سالانه افراد زیادی را جهت تحصیل به این شهر می‌کشاند. در حالی که در سایر کشورهای توسعه‌یافته جهان مراکز معتبر دانشگاهی در اکثر شهرهای آنها وجود دارد مانند ایالات متحده آمریکا که در تمامی ایالت‌های آن چنین مراکزی به‌طور مناسبی توزیع شده‌اند به گونه‌ای که در این کشور، در شرق دانشگاه هاروارد، MIT، بوستون و نیوجرسی، در غرب دانشگاه‌های استنفورد، برکلی و دانشگاه‌های کالیفرنیا، در جنوب دانشگاه تگزاس و در شمال مینسوتا، شیکاگو و ایلینو واقع شده است و با این روند میزان مهاجرت‌ها برای برخورداری از امکانات آموزشی بسیار کم می‌باشد. اما در کشورهای کمتر توسعه‌یافته امکانات و منابع مالی تنها در شهرهای بزرگ آنها سرمایه‌گذاری می‌شوند، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته توزیع صنایع تقریباً در تمام شهرهای آنها صورت می‌گیرد مانند کشور آلمان که صنایع بزرگی مانند زیمنس، بنز، بی ام دابلیو و صدها کارخانه دیگر در تمام آلمان توزیع شده‌اند. در کشور

ژاپن صنایع به همین شکل در تمام شهرهای آن توزیع شده‌اند و از تمرکز کارکردها در یک شهر بزرگ به شدت جلوگیری شده است. در این رابطه شهر تهران به عنوان مرکز سیاسی اداری کشور به صورت طبیعی نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در نظام اداری و اجرایی کشور داشته و دارد. هرچند قرار گرفتن در چنین موقعیت ممتازی از مختصات اغلب پایتخت‌ها است، اما شهر تهران به دلیل ساختار متمرکز نظام اداری اجرایی کشور که معمولاً از خصوصیات کشورهای در حال توسعه است، تأثیر پذیرفته و شکل‌گیری نخست شهری با فاصله زیاد جمعیت از شهر دوم کشور معلول همین تمرکز است. به اجمال می‌توان گفت، جریان تمرکز تصمیمات اداری کشور در تهران، علاوه بر اینکه تمرکز دستگاه‌های عریض و طویل اداری و حتی نهادهای اقتصادی وابسته به دولت را در شهر تهران اجتناب‌ناپذیر ساخته، موجبات شکل‌گیری نهادها و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی گوناگون را در این شهر فراهم کرده است و باعث شکل‌گیری تمرکز جمعیتی، اقتصادی، علمی - دانشگاهی، صنعتی و بازرگانی شده است به گونه‌ای که این تمرکزگرایی منجر به شکل‌گیری بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، زیست محیطی، بهداشتی، روانی گسترده‌ای در این شهر شده است. به طوری که با شدت یافتن این آسیب‌ها و بحران‌ها در دهه‌های اخیر، طرح‌هایی چون انتقال پایتخت و جابجایی برخی از کارکردهای آن به سایر شهرهای کشور مطرح شده است. می‌توان گفت بر اساس یافته‌های تحقیق، انتقال پایتخت به مکان دیگر، به هیچ وجه نتایج و پیامدهای مثبت به دنبال نخواهد داشت. در صورت انتقال پایتخت، تمرکز اقتصادی در مکان جدید صورت خواهد گرفت، تمرکززدایی سیاسی محقق نخواهد شد چرا که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی تهران، تفکیک نقش‌پذیری سیاسی به شدت بحران‌زا است، در صورت انتقال پایتخت، رشد جمعیتی تشدید خواهد شد به لحاظ اینکه تمام امکانات در تهران متمرکز شده است، بحران‌های زیست محیطی در مکان جدید (توسعه در اراضی مرغوب کشاورزی، آلودگی منابع آب، خاک و هوا) شدت پیدا خواهد کرد، مسائل ترافیکی تا حدودی بهبود پیدا می‌کنند اما بعد از یک روند کاهشی، دوباره شدت پیدا خواهد کرد، شاخص‌های کیفیت زندگی بهبود پیدا نخواهند کرد و نهایتاً اگر انتقال پایتخت با برنامه‌ریزی مطلوب تحقق پیدا کند و طی آن مؤلفه‌های فوق بهبود یابند، یک تمرکززدایی از

تهران صورت می‌گیرد که می‌تواند خطر بحران‌های محیطی را در آینده کاهش دهد. در مقابل، انتقال برخی از کارکردهای پایتخت به شهرهای دیگر نشان می‌دهد انتقال کارکردهای علمی و دانشگاهی (مراکز آموزشی، مراکز برگزاری رویدادها و کنفرانس‌ها و ...) تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم زیادی بر روی ساماندهی شهر تهران دارد. به گونه‌ای که انتقال این کارکردها از یک طرف باعث کاهش تمرکز جمعیتی، ترافیکی، تمرکز سرمایه و ... در تهران می‌شود و از طرف دیگر با صرف هزینه‌های مقرون به صرفه‌تری در زمینه ایجاد زیرساخت‌های لازم برای انتقال این کارکردها به شهرهای دیگر زمینه افزایش جاذبه‌های آنها و روند توسعه یافتگی آنها فراهم می‌شود. می‌توان گفت انتقال کارکردهای علمی- آموزشی پایتخت رابطه نزدیکی با ساماندهی شهر تهران دارد، به گونه‌ای که همزمان با انتقال این کارکردها باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی بر روی کنترل شدید مهاجرت‌ها به تهران، افزایش سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در سایر شهرها، افزایش امکانات آموزشی و ایجاد جاذبه برای ماندگاری نیروهای متخصص صورت گیرد تا تأثیر انتقال چنین کارکردهایی را خنثی نکند.

## ۶- قدردانی

در تدوین پژوهش حاضر از نظرات ارزنده کارشناسان و متخصصین اجتماعی؛ اقتصادی؛ سیاسی؛ فرهنگی دانشگاه‌ها و ادارات دولتی استفاده شده است که از زحمات آنها تشکر و قدردانی می‌شود.

## References

1. Ahmadi, R; Monfared, Sajjad; Torabi; Zabihollah and Amanpour, Saied (2013), study and analysis of the primary formation of town at the Khuzestan Province over the years 2006-11, Journal of Social and Economic History, Vol. II, [in Persian].
2. Ahmadipour, Zahra; Hafeznia, Mohammadreza Valigholizadeh, Ali (2009), Explaining the factors influencing the location of the capitals of ancient Persia, (With reference to its impact on the development of Iranian identity), National Studies, 3 (39) [in Persian].
3. Asiabi, Mohammad (2008), difficulties and bottlenecks in metropolitans, Eighth International Conference on Civil Engineering, Shiraz University[in Persian].
4. Campbell, S (2003), the Enduring Importance of National Capital Cities in the Global Era, Urban and Regional Planning Program, University of Michigan.
5. Dascher, K (2000), Are politics and geography related? Evidence from a cross-section of capital cities. Public Choice, 105.
6. Dethier, Jean-Jacques (1999), Governance and Economic Performance: A Survey, ZEF Discussion Paper on Development Policy. Bonn: Centre for Development Research (ZEF).
7. Farahmand, Shokoufeh; Tayibi, Sayed Komeil and Akbari, Nematollah (2009), the primary urban effect on the country's economic development, Economic Research, No. 87[in Persian].
8. Ghalibaf, Mohammadbagehr; Ezzatpanah Bakhtiar and Pourmousavi, Sayed Mousa (2010), Centralization of space and its effects on physical development and urban spatial structure (Case Study: Sanandaj City), geographical space, Issue 10, No. 32[in Persian].
9. Karami, Tajaldin (2011), Spatial inequality in the process of urban development (case study: Tehran), PhD Thesis in Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, Tarbiat Moallem University [in Persian].
10. Karami, Tajaldin (2013), spatial analysis centralization in Iran with an emphasis on the position of urban setting of Tehran, Journal of urban knowledge, Centre for Studies and Planning in Tehran, No. 221[in Persian].
11. Koushi, Kamal; Taghavi, Nematollah (2003), "assessing the villagers' participation in the projects of rural development", Publication of College of Humanities, Social, No. 14, University of Tabriz[in Persian].
12. Mousavi, Mirnajaf (2003), Measuring the degree of development of the Iranian regions, MSc thesis, Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Yazd[in Persian].

13. Organization of Industries and Commerce in Tehran (2011), Commercial preparation of Tehran, Department of Mining Industry and Commerce., vice president of domestic business development, commercial preparation committee secretariat[in Persian].
14. Palizban, Siavash; Shams, Majid and Sarvar, Rahim (2013), Review of economic and social developments of the counterproductive circuit of Iran capitalism and its impact on informal settlements in Tehran, Volume 3, No. 9[in Persian].
15. Pranab, Bardhan, (2002), Decentralization of Governance and Development, Journal of Economic Perspective 16 (4) [in Persian].
16. Rawat, Rajiv (2005), Capital City Relocation: Global Perspectives in the Search for an Alternative Modernity, Department of Geography, York University, Toronto, Canada.
17. Rezaie, Rahim and Pourahmad, Ahmad (2009), Role of economic activities centralization in increasing Tehran metropolis population, New approaches in human geography, Volume 1, Number 3[in Persian].
18. Schatz, E (2003). What Capital Cities Say About State and Nation Building. Nationalism and Ethnic Politics, 9(4).
19. Sharbat Oughli, Ahmad and Javanmard, Heydar (2011), An exploration in the relationship between primary urban relation and economic development of the country's empirical investigation, Journal of Geography and Planning, Vol. 17, No. 46[in Persian].
20. Shokoie, Hossein (2004), Physical Development Strategic Plan of the city of Tehran, Research and Studies Center of Planning and Architecture, Chagostar Publications, Tehran[in Persian].
21. Taghvaie, Masoud and Mousavi, Mirnajaf (2011), a criticism on the primary urban indicators and presenting new indicators, Journal of Geography and Environmental Planning, No. 1[in Persian].
22. Tiebout, C. M (1956), "A Pure Theory of Local Expenditures," Journal of Political Economy, 64.
23. Wolfel, R. L (2002), North to Astana: Nationalistic Motives for the Movement of the Kazakh Capital. Nationalities Papers, 30(3).